

البرز - عربی

۰/۵	الف) زردآلو ب) گرمی داشته شده	۱
۰/۵	رَكَبَ ≠ نَزَلَ نام = رَقَدَ	۲
۰/۲۵	غارات: حملات	۳
۰/۲۵	الصَّحِيفَه	۴
۰/۵	۱- پس از تلاشهای زیادی مسئول یکی از قطارها شد (گزینه ب) ۲- کشاورزان آب را از چاه برای کشاورزی بیرون آوردند (گزینه الف)	۵
۴	۱- کارهایم را با نام خدا شروع می کنم ۲- علم را بجویند اگرچه در چین باشد: پس همانا طلب علم واجب دینی است ۳- ما به دعای شما محتاج هستیم ۴- تو می توانی به راحتی خارج شوی ۵- آیا سرویس بهداشتی وجود دارد؟ ۶- روش تدریسش را تغییر داد	۶
۱	کاتب ← نویسنده معلوم ← مفعول / ع - ل - م عابد	۴
۰/۵	۱- وَصَلُوا (گزینه الف) ۲- نَفَتْحَ (گزینه ب)	۸
۱	۱- اِحْمَلُوا ۲- اَطْلُبَا ۳- اَعْلَمَ ۴- اَذْكُرَنَّ	۹
۱	۱- لَا تَذْهَبِي ۲- لَا تَضْحَكَا ۳- لَا تَكْشِفُوا ۴- لَا تَكْتُبْ	۱۰
۰/۷۵	۱- کمک می کردند (گزینه الف) ۲- نگاه خواهی کرد (گزینه ب) ۳- دروغ نگو (گزینه الف)	۱۱
۰/۷۵	۱- نوشت ۲- بالا ببر ۳- نرفت	۱۲
۱	الف) لذیذا ← صفت / کارون ← مضاف الیه ب) گردش علمی ما	۱۳
۱	۱- ثلاثه ۲- للشُّكْرِ (گزینه الف) ۳- الثَّانِيَه و النصف	۱۴
۰/۵	۱- الخطَّاب ۲- العَامِل	۱۵

۰/۵	۱- العِطَر (گزینه الف) ۲- فیتامین A (گزینه ب)	۱۶
۱	۱- درست ۲- نادرست (حاسوب به معنی رایانه است) ۳- نادرست (کلمه درست، متحف است) ۴- درست	۱۷